

# تحلیل مفهومی آزادی مذهب در اسناد بین المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران<sup>۱</sup>

علی اکبر گرجی آزندریانی \*

امید شیرزاد \*\*

مرتضی روشنایی \*\*\*

## چکیده

در جهان معاصر، شناسایی و تضمین حقوقی آزادی عقیده و مذهب، از بایسته‌های پاسداشت منزلت انسانی به شمار می‌رود. نوشتار حاضر در پی تحلیل مفهومی این آزادی و تبیین گستره‌ی حقوقی آن به رشته‌ی تحریر درآمده و در این راستا، ابعاد اساسی آزادی مذهب، نظیر حق بر انتخاب و تغییر مذهب، آزادی ابراز تجلیات دینی و ممنوعیت تحمیل عقیده و اعمال تبعیض مذهبی را با عنایت به اسناد بین المللی حقوق بشر و منابع الزام آور حقوق داخلی مورد بررسی قرار داده است. رهیافت نوشتار آن است که اکثر مؤلفه‌های پیشین در دستگاه فقهی - حقوقی کشورمان قابل بازیابی به نظر می‌رسند، منتهی به اقتضای ماهیت و ساختار مکتبی نظام سیاسی ایران، رسمیت مذهب شیعه امامیه و حاکمیت موازین اسلامی بر سیاستگذاری‌ها، قانونگذاری و اداره‌ی امور عمومی، برخی تعارضات بین آزادی مذهبی در گفتمان حقوق بشری و نظام حقوقی ایران وجود دارد که

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۵

\* دانشیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول مقاله):

o.shirzad@ymail.com

\*\*\* کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

تحلیل مفهومی آزادی مذهب در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران

دلیل آن را بایستی در جهان بینی و رویکرد فکری - فلسفی متفاوتِ اسلام  
و غرب جستجو کرد.

### واژگان کلیدی

آزادی مذهب، دین اسلام، اسناد حقوق بشری، قانون اساسی.

## مقدمه

اندیشیدن و دارای عقیده بودن، از اوصاف بارز بشر و مصداق حیات معنوی انسان و متمایزکننده‌ی وی از سایر جانداران است. قرآن کریم، بی‌خردان و انسانهای بدون دغدغه‌ی فکری و عقیدتی را در شمار بهایم مورد عتاب قرار داده<sup>۲</sup> و در آیات متعدّد، دعوت به تفکر و انتخاب بهترین عقیده نموده است<sup>۳</sup>. آزادی عقیده ممکن است در نگاه اول امری صرفاً فردی به نظر رسد، لکن با توجه به طبیعت انسان که تنها در برگزیده‌ی فکری مجرد نیست و در روابط اجتماعی خود در پی انتشار آن نیز هست، مشخص می‌شود که موضوع دارای بُعد اجتماعی نیز می‌باشد و با داشتن اثرات احتمالی مخرب یا سازنده، می‌بایست مورد توجه نظام سیاسی و حقوقی کشورها قرار گیرد. مسئله آزادی عقیده و مذهب، واجد چالشی طولانی بوده و سیری اجمالی در تاریخ، مصادیقی از آزاد منشی کوروش در مواجهه با سایر مذاهب و معابد تا تجربه‌های ناگوار محاکمات مذهبی و برگزاری دادگاههای تفتیش عقاید در اروپای قرون وسطی را به همراه دارد. پس از گذر از مجاری سخت و تاریک تاریخ، امروزه انواع بشر از برکت رشد فکری توده‌ها و تعالیم اخلاقی و به رسمیت شناختن کرامت، امنیت و آزادی به عنوان اساس حیات جامعه انسانی، برای همزیستی مسالمت آمیز و اعتلای آن می‌کوشند و آزادی عقیده، مذهب و تجلیات دینی در این بین، به منزله‌ی یکی از متعالی‌ترین حقوق و آزادی‌های اساسی و جلوه‌ای از حق تعیین سرنوشت افراد؛ خضوع و تسلیم کانونهای قدرت در سراسر دنیا را می‌طلبد و سعی دارد با اتکاء و استناد به اسناد بین‌المللی، جای خود را در نظام حقوق عمومی کشورها باز کرده و و زینت بخش آن قرار گیرد. نوشتار حاضر بر آن است تا با کاوش های حقوقی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و منابع الزام‌آور حقوق داخلی، طی شش گفتار، چپستی، چرایی و گستره‌ی مفهومی آزادی مذهب را مورد تحلیل قرار دهد و جایگاه آن در حمایت از حقوق ادیان و دین باوران را در حد بضاعت روشن

۲. إِنَّ الشَّرَّ الدَّوَابِ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمِّ الْبِكْمِ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ( انفال/۲۲)

۳. فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ احْسَنَهُ . (زمر/ ۱۷)

سازد.

## ۱- حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیده

اندیشه‌ها و اعتقادات تا چهره درونی و خصوصی دارد، جزئی از پیکر و ذات و سرشت انسان است. همان گونه که بر کسی نمی‌توان خرده گرفت که چرا قدی کوتاه یا سیمایی ناخوشایند دارد، نمی‌توان بر او تاخت که چرا چنین می‌اندیشد. دولت می‌تواند اطاعت از قانون را از مردم بخواهد تا نظم اجتماعی برهم نخورد، ولی اعتقاد را به زور نمی‌توان تحمیل کرد؛ چرا که در پیشگاه وجدان، منطبق زور خریدار ندارد و دولتهایی که خواسته‌اند برخلاف این مسیر طبیعی گام بردارند و مردم را اجبار به اعتقاد کنند، توفیقی در خور نداشته‌اند.<sup>۴</sup> حق برانتخاب مذهب، مظهری از اعمال حق تعیین سرنوشت است و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در این باره صراحت دارند؛ صدر ماده ی هجده اعلامیه جهانی حقوق بشر به شرح «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود.....» و بند یک ماده ی هجده میثاق حقوق مدنی سیاسی به شرح «هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خود می‌باشد...» آزادی انسان در پذیرش عقیده و مذهب را مقرر می‌دارند. از سوی دیگر، حق برانتخاب مذهب، ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیدتی- مذهبی را به ذهن متبادر می‌سازد. در این مورد، بند دوم ماده ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به شرح «هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد» به روشنی ناظر بر منع تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش عقیده و مذهب است. به نظر می‌رسد برای تحقق هرچه بهتر اهداف میثاق، اجبار بایستی به گونه‌ای تفسیر شود که علاوه بر اجبار فیزیکی و مادی، اجبار روانی را نیز شامل گردد. اعلامیه حقوق بشر اسلامی در دهمین ماده ی خود، علاوه بر اکراه، عاملی معنوی و روانی را نیز متذکر می‌گردد: «اسلام دین فطرت است و به

کارگرفتن هرگونه اکراه نسبت به انسان یا بهره برداری از فقر یا جهل او برای تغییر دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نیست.»

از نظر دین مبین اسلام، اصل مترقی لزوم تفکر در پذیرش عقیده و مذهب، نه تنها آزاد؛ بلکه لازم نیز می‌باشد. دعوت به تفکر و اندیشه برای انتخاب أحسن اقوال و افکار، در قرآن کریم مورد توصیه‌ی مؤکد قرار گرفته است.<sup>۵</sup> اکثریت قریب به اتفاق مراجع عظام تقلید نیز، تقلید در اصول دین را جایز نمی‌شمارند و معتقدند که مرحله‌ی ابتدایی ایمان و اعتقاد قلبی، می‌بایست مبتنی بر دلیل و آگاهی باشد نه تقلید. در زمینه ممنوعیت تحمیل عقیده مذهبی، اشاره به آیاتی چند از قرآن کریم خالی از لطف به نظر نمی‌رسد: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...»<sup>۶</sup> (کار دین به اجبار نیست، حقیقتاً راه هدایت و ضلالت روشن گردیده است.) «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ»<sup>۷</sup> (هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کافر شود) خداوند متعال، رسالت اصلی پیامبر را تبلیغ و نه تحمیل دین قرار داده است و وی را از اجبار کفار به ایمان آوردن باز می‌دارد: «ولو شاء ربک لَأَمْنٌ مِنَ الْاَرْضِ کُلِّهِمْ جَمِيعاً اَفَاَنْتَ تَکْرَهُ النَّاسَ حَتّٰی یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ»<sup>۸</sup> (و اگر خدای تو [در مشیت ازلی] می‌خواست، اهل زمین همه یکسره ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه همه را مؤمن و یکتا پرست قرار دهی؟! ) «وما علی الرسول الاّ البلاغ»<sup>۹</sup> (بر پیامبر جز تبلیغ، وظیفه‌ای نیست). در اینباره ممکن است در مورد جهاد با کفار شبهه‌ای مطرح شود که قتال با آنان آیا به منزله‌ی سلب آزادی مذهبی و تحمیل اسلام است یا خیر؟

با تأمل در آیات قرآن کریم مشخص می‌شود که آنچه در زمینه‌ی لزوم جهاد با کفار مطرح شده، متضمّن وجوب دفاع و مقابله با ستمگران و کسانی که مانع نشر

۵. قل هل یتسوی الاعمی والبصیر اَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (انعام/ ۵۰)

۶. بقره/ ۲۵۶

۷. کهف/ ۲۹

۸. یونس/ ۹۹

۹. مائده/ ۹۹

عقیده‌ی توحیدی شده و آزادی مذهبی موحدین را سلب و آنان را مورد آزار قرار می‌دهند، می‌باشد و هدف اصلی جهاد، مقابله و تلاش برای احقاق حقوق مشروع مسلمین است، نه تحمیل عقیده. آیات نهم و دهم سوره ی ممتحنه به روشنی گواه بر این ادعاست: «خداوند شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننموده‌اند، نهی نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و به عدالت رفتار نمایید؛ که خداوند مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد؛ و تنها شما را از دوستی کسانی که در دین با شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون راندن شما هم پیمان گردیدند، نهی می‌کند.» در دوره ی بسط اسلام و تثبیت قدرت حکومت اسلامی به ویژه پس از فتح مکه، اسلام طبعاً در برابر مخالفان و کسانی که می‌خواستند مانع نفوذ و گسترش آن بشوند ایستاد و در برابر کفار پیمان شکن که در مقام عهد شکنی برآمده بودند، سخت موضع گرفت؛ و آیات شدیداللحن سوره توبه خطاب به مشرکین خیانتکار پیمان شکن در سال نهم هجری نازل شد و به آنها اعلان جنگ داد و مسلمانان را به مبارزه با آنان برانگیخت؛ اما در همان حال هم از هیچ یک از آیات قرآنی برنمی‌آمد که اسلام می‌خواهد به زور می‌خواهد کسی را وادار به پذیرفتن دین کند و یا نفس عدم پذیرش اسلام موجب جنگ با آنها شده باشد، بلکه در همان حال در آیه ۷ سوره توبه خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد؛ به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود و پس از آن، او را به محل امنش برسان...» و نمی‌گوید تا دین اسلام را انتخاب نکرده رهاش نکن.<sup>۱۰</sup>

## ۲- آزادی تجلیات دینی و انجام مراسم مذهبی

مذهب را نمی‌توان در چارچوب اندیشه محصور کرده یا آن را به باورهای محض اعتقادی و تجربه‌های درونی فروکاست. اندیشه و اعتقاد مذهبی نهایتاً دارای

<sup>۱۰</sup> مهرپور، حسین، دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، نشریه دانشکده حقوق و علوم

جنبه‌های رفتاری ویژه‌ای خواهد بود (وجهه بیرونی دین و دینداری)؛ بنابراین نمی‌توان مدعی تفکیک مطلق بین دو حوزه عقیده و رفتار شد. اندیشه مذهبی را نیز نمی‌توان به صورت مطلق از رفتار مذهبی منفک کرد. نتیجه آنکه تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در دو حوزه‌ی اندیشه و رفتار صورت پذیرد.<sup>۱۱</sup> ماده ی ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از تصدیق استحقاق بشر برای بهره مندی از آزادی فکر و مذهب، این حق را شامل آزادی اظهار عقیده و ایمان و آزادی تعلیمات و اجرای مراسم دینی به صورت انفرادی یا جمعی دانسته است. ذیل بند یک ماده ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز، انجام عبادات و آداب و تعلیمات مذهبی را علناً و یا در خفا به طور فردی یا جمعی، به رسمیت شناخته است. ضمناً بند ۴ همین ماده، دولتهای طرف میثاق را متعهد می‌کند که آزادی والدین و حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان، در آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق اعتقادات خودشان را محترم بشمارند. اعلامیه‌ی امحاء تمامی اشکال نابردباری مذهبی مصوب ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۱۲</sup> در این باره ابتکار عمل بیشتری انجام داده و در ششمین ماده ی خود، با بیان مصادیق آزادی تجلیات دینی و انجام مناسک مذهبی، تحقق واقعی آزادی فکر، وجدان و مذهب را شامل موارد زیر می‌داند:

- الف) عبادت یا اجتماع در ارتباط با دین یا عقیده و تأسیس و نگهداری مکانهایی برای این اهداف
- ب) تأسیس و نگهداری مؤسسات خیریه و بشردوستانه‌ی مقتضی
- ج) ساختن، به دست آوردن و استفاده از مقدار مناسب مواد و لوازم مربوط به مراسم و آئین‌های مذهبی
- د) نوشتن، نشر و پخش نشریات مناسب در این مورد

<sup>۱۱</sup>. گرجی ازندریانی، علی اکبر، در **تکاپوی حقوق اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۶۴

<sup>۱۲</sup>. این سند بین‌المللی هشت ماده ای که به طور خاص، ناظر بر بردباری و آزادی عقیدتی و مذهبی است، در پایان نوشتار ضمیمه گردیده است.

ه) تعلیم دین یا عقیده در مکانهای مناسب برای این اهداف  
و) درخواست و دریافت کمک‌های مالی داوطلبانه و سایر مشارکتهای توسط  
افراد و مؤسسات

ز) مراعات ایام استراحت، بزرگداشت اعیاد و مراسم طبق عقیده‌ی هر فرد  
ط) برقراری و حفظ ارتباط با افراد یا جوامع دیگر در امور مربوط به دین یا  
عقیده در سطح داخلی و بین‌المللی

در واقع آزادی مراسم و فرائض مذهبی، علاوه بر انجام مراسم و تشریفات  
مذهبی، شامل آزادی تشکیل مجامع مذهبی، نگاهداری معابد و اماکن و محل‌های  
مذهبی، آزادی تعلیم، انتشارات و تبلیغات مذهبی و آزادی مسافرت‌های زیارتی  
است.<sup>۱۳</sup>

از جمله آزادی‌هایی که براساس تعلیم اسلامی و بر اساس قراردادی موسوم به  
ذمه برای اقلیتهای مذهبی یهودی، مسیحی و زرتشتی مورد شناسایی قرار گرفته  
است، آزادی ابراز اعتقادات دینی و انجام مراسم مذهبی با امنیت کامل بصورت  
انفرادی یا جمعی در معابد و اماکن مخصوص خویش است. قرآن مجید در صورتی  
از هم‌پیمانان اهل کتاب (اهل الذمه) در جامعه اسلامی حمایت می‌کند که آنان  
متعهد شوند اولاً به عنوان یک اقلیت سالم، دست از هرگونه جنگ و جدال و تبلیغ  
برضد مسلمانان بردارند. ثانیاً، به نشانه تسلیم و خضوع، به دست خود مبادرت به  
پرداخت جزیه (خراج و مالیات) بنمایند. در این صورت، جامعه اسلامی تکالیف  
متعددی را نسبت به آنان برعهده می‌گیرد؛ از جمله آنکه: جان، مال، مسکن،  
فرزندان و ناموس آنان از تعرض مصون است؛ عقاید مذهبی این اقلیت‌ها آزاد است و  
اسلام به زور متعرض آنها نمی‌شود، زیرا در دین اکراهی نیست، البته در عین حالی  
که عقاید اهل کتاب مورد احترام است، مسلمانان موظفند در مقام ارشاد و هدایت،  
آنان را تنها از راه برهان و موعظه و نصیحت و بحث و مناظره نیکو، به سوی اسلام

<sup>۱۳</sup>. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه



دعوت کنند<sup>۱۴</sup> و از مجادله توأم با خشونت نسبت به آنان پرهیز نمایند. به علاوه، معابد و اماکن مقدّسه‌ی اهل کتاب مورد احترام مسلمین است و قرآن مجید یکی از زمینه‌های جهاد علیه اشرار را حفظ همه اماکنی می‌داند که پیروان ادیان توحیدی به عبادت می‌پردازند و نام مبارک خداوند را بر زبان می‌آورند<sup>۱۵</sup>. در ادامه، قسمتی از عهد نامه‌ی در خورتوجهی که پیامبراسلام (ص) در سال دو هجری برای مسیحیان سرزمین سینا نوشته‌اند و به روشنی متضمّن همزیستی مسالمت آمیز مسلمین با آن مردمان است را متذکر می‌شویم: «... من عهد می‌کنم کشیش و راهب آن را تغییر ندهم و اشخاص تارک دنیا را از صومعه نرانم و مسافر را از سفر باز ندارم، معابد و خانه‌های آنها را خراب نکنم و چیزی از کلیساهای آنان، برای ساختمان مساجد نیاورم و هر کس از مسلمانان چنین کند پیمان خدا را شکسته است؛ به هیچ یک از آنان نباید زور گفته شود و بایستی با مدارا با آنان رفتار شود و آزاری به آنها نرسد و هر جا باشند محترم خواهند بود...»<sup>۱۶</sup>

### ۳- برابری و عدم تبعیض مذهبی

اصل ممنوعیت تبعیض<sup>۱۷</sup>، زیربنای نظام حقوق بین‌الملل بشر را به خود اختصاص داده است. منشور ملل متحد، ضمن اعلام ایمان خود به حقوق اساسی بشر، به موجب بند ۳ ماده‌ی یک، «پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و

<sup>۱۴</sup>. أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... (نحل/۱۲۵)

<sup>۱۵</sup>. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام)، ۱۳۸۵، صص ۱۸۰-۱۷۹

... و لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتِ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ (حج/۴۰) برای اطلاع بیشتر در این زمینه رک به: عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۲،

حقوق اقلیتها براساس قرارداد دّمّه، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول  
<sup>۱۶</sup>. زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه ی جواهر کلام، علی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۵، ص ۱۲۰

<sup>۱۷</sup>. Non discrimination principle

آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز مبتنی بر نژاد، جنس، زبان یا مذهب» را از جمله اهداف سازمان ملل متحد بر شمرده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به مثابه‌ی اولین سند حقوق بشری نظام ملل متحد، اولاً و بالذات، اصل برابری و عدم تبعیض را در نص دومین ماده‌ی خود، بدین شرح جایگاهی مستحکم عطا نموده است: «هرکس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر و نیز ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه‌ی حاضر ذکر شده است؛ بهره‌مند گردد». در گفتمان حقوق بشر، تبعیض مذهبی از یک سو ناقض اصل عام منع تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی و از سوی دیگر ناقض آزادی مذهب به طور خاص می‌باشد. در اکثر اسناد حقوق بشری، مذهب در کنار موضوعاتی دیگر نظیر نژاد، رنگ، ملیت و... به عنوان یکی از مواردی که نمی‌تواند منشاء تفاوت و تبعیض در بهره‌مندی از حقوق انسانی باشد، مورد تأکید قرار گرفته است. تبعیض مذهبی مصادیق گوناگونی دارد و می‌تواند بین اقدامات مستقیم نظیر اعمال خشونت و حتی مجازات نسبت به پیروان مذاهب خاص تا اقدامات غیرمستقیم در زمینه‌های استخدامی و فرهنگی، سیر داشته باشد. گفتنی است که در نظر کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیش‌بینی یک یا چند مذهب خاص به عنوان دین رسمی کشور به عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر، به نوعی پذیرفته شده است؛ اما کمیته تأکید دارد که این واقعیت نباید به هیچ وجه منجر به نقض حقوق و آزادی‌های پیروان سایر مذاهب گردد<sup>۱۸</sup>.

سیری اجمالی در احکام اسلام مؤید آن است که برابری و عدم تبعیض مذهبی و شناسایی حقوق برابر برای انسان به صرف انسانیت و فارغ از عقیده و مذهب وی، اساساً مورد پذیرش قرار نگرفته است<sup>۱۹</sup>. بنیان گفتمان حقوق بشر در

<sup>۱۸</sup>. General Comment No. 22: Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993

<sup>۱۹</sup>. از جمله می‌توان به احکام مربوط به نکاح، ارث، قصاص نفس یا عضو، مقدار دیه، حد

جهان معاصر، شناسایی، تضمین و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان صرف نظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب اوست؛ حال آنکه در گفتمان اسلامی، این ایمان و اسلام است که منشأ حقوق<sup>۲۰</sup> است نه صرف انسانیت انسان و آحاد بشر از حیث اینکه چه دینی دارند، از حقوق متفاوت برخوردارند<sup>۲۱</sup>. لذا می‌توان اذعان داشت که برابری و عدم تبعیض مذهبی چه به عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق بشر و چه به طور خاص، به عنوان یکی از بایسته‌های مفهومی آزادی مذهبی، با احکام اسلام در تعارض است.

#### ۴- حق بر تغییر مذهب

در بحث پیرامون آزادی مذهب، حق بر تغییر مذهب از حساس‌ترین مسائل به شمار می‌رود. بند یک ماده‌ی هجده اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به صراحت، داشتن آزادی عقیده و مذهب را مستلزم داشتن حق تغییر دین می‌داند: «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق مستلزم آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی اظهار عقیده می‌باشد...» با وجود این، مقررات مشابه در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه‌ی امحاء ناپردباری مذهبی به گونه‌ای تدوین یافته‌اند که عبارت روشن اعلامیه جهانی حقوق بشر را با ابهام روبرو ساخته و در فحوای صریح آن تردید ایجاد کرده‌اند. بند یک ماده‌ی هجده میثاق حقوق مدنی سیاسی اشعار می‌دارد: «هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خود می‌باشد...» بند یک نخستین ماده‌ی اعلامیه‌ی امحاء ناپردباری مذهبی نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق

قذف و ... اشاره داشت که در آنها، تفاوت‌های دینی و مذهبی منشأ تبعیض‌های حقوقی می‌گیرد.

<sup>۲۰</sup>. Rights

<sup>۲۱</sup>. کدیور، محسن، حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، تهران، نشر کویر، چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۹۳

شامل آزادی داشتن دین یا هر عقیده‌ای به انتخاب خودش می‌باشد. « با مُدافه بر روند مذاکرات بین‌المللی مربوط به تصویب این اسناد، به نظر می‌رسد که مقررات لاحق بر اعلامیه، به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی که ممکن است از سوی برخی مؤسسات تبلیغی و استعماری و میسیونرها در کشورهای اسلامی برای تغییر دین و مذهب افرادِ متبوع دولت اسلامی، با استفاده از احتیاج و اضطرار آنها صورت گیرد، تصویب شده و عبارات آنها به گونه‌ای است که هم بر آزادی مذهب و عقیده دلالت داشته باشد و هم راه را برای اجبار ناروا به افراد برای تغییر دینشان مسدود نماید. البته کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بر این باور است که حق انتخاب و تغییر مذهب، هرکدام رویی از سکه‌ی آزادی مذهب اند و نتیجه‌ی ضروری صرفِ پیش‌بینی حق انتخاب مذهبِ دلخواه که در ماده‌ی هجده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده، حقّ بر تغییر مذهب و عقیده است. در ادامه به بررسی دیدگاه اسلام در این زمینه خواهیم پرداخت.

ارتداد، از نظر لغوی به معنای بازگشت و از نظر فقهی به معنای رجوع به کفر است. دین اسلام موضوع پذیرش دین را مبتنی بر بیان حق می‌داند<sup>۲۲</sup> و معتقد است پس از بیان حق و راه حقیقی سعادت، مردم در پذیرش دین آزاد هستند که ایمان بیاورند یا انکار ورزند<sup>۲۳</sup>. همانطور که اظهار کفر به دلیل اکراه، شخص را کافر نمی‌سازد، اظهار ایمان از روی اجبار نیز، وی را مؤمن نخواهد ساخت. در تحلیل نسبت میان منع ارتداد و آزادی مذهبی، می‌توان بیان داشت همانگونه که در ابتدای پذیرش دین، اصل ممنوعیت اجبار مطرح است و ایمان حقیقی از دسترس اجبار و اکراه خارج دانسته می‌شود، اجبار در بقاء و استمرار ایمان نیز ممکن و کارساز نیست و تا جایی که ارتداد، محدود به ایمان معنوی فرد و رابطه‌ی قلبی‌اش با خداوند باشد، اجبار سودی نخواهد داشت و به نوعی فرد را باید به حال خود گذاشت تا از میان سعادت و شقاوت یکی را برگزیند. قرآن کریم نیز مجازات مرتدان را کیفر اخروی

<sup>۲۲</sup>. أَدْعَ الی سَبیل رِبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ (نحل/۱۲۵)

<sup>۲۳</sup>. إِنَّا هَدِیْنَاهُ السَّبیلَ اِمَّا شَاکِرًا وَاِمَّا کَافِرًا (انسان/۳)

دانسته و از مجازات دنیوی سخنی بیان نداشته است.<sup>۲۴</sup> در مقابل، چنانچه ارتداد از قلمرو ایمان قلبی و رابطه‌ی فرد با پروردگارش خارج شود و به اقداماتی به زیان جامعه و دولت اسلامی منجر گردد، دیگر صرف عنوان گناه بر آن صدق نمی‌کند؛ بلکه گناهی است که به جرم تبدیل می‌شود و قابل مجازات است. به دیگر سخن، تبدیل ایمان به کفر دو گونه می‌تواند باشد: اول به واسطه‌ی مباحث نظری، علمی و تحقیقی ولو به غلط، فرد به انکار خدا و آخرت و نفی اسلام یا شک در حقانیت اسلام برسد (ارتداد نظری و عقیدتی)، دوم به واسطه‌ی شهوت عملی، انحراف سیاسی، تسویبات شیطانی و دنیا پرستی که فرد در عین شناخت حق، آنرا زیر پا بگذارد و تغییر دین بدهد، یعنی ارتداد به واسطه‌ی منافع مادی باشد نه از شبهات علمی (ارتداد عملی و سیاسی).<sup>۲۵</sup>

لذا به نظر می‌رسد آن دسته از روایاتی<sup>۲۶</sup> که مجازات مرتد را قتل دانسته، منصرف به کسانی است که به اقدامات عملی علیه نظم و امنیت عمومی حکومت اسلامی دست می‌زنند<sup>۲۷</sup> و با توجه به نامعلوم بودن اطلاق روایات در مورد هر دو نوع ارتداد اخیر الذکر، شایسته است با استناد به قاعده "الحدود تدرء بالشبهات"<sup>۲۸</sup>،

---

<sup>۲۴</sup>. و مَنْ یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا والاخره و اولئک اصحاب النارهم فیها خالدون (بقره/۲۱۷) « و هرکس که از شما از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، اعمالش در دنیا و آخرت باطل گردیده است و اینان دوزخی اند و جاودانه در آنند. »

<sup>۲۵</sup>. کدیور، محسن، همان، ص ۲۰۴

<sup>۲۶</sup>. از جمله مستندات مجازات مرتد در فقه شیعه، معتبره ی عمار ساباطی است: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: « هر مسلمانی بین مسلمانان که از اسلام خارج شود و نبوت محمد(ص) را انکار کند و او را تکذیب کند، خونس برای هرکس که از او شنیده باشد، مباح است و همسرش از روز ارتداد از او جدا می‌شود و مالش میان ورثه اش تقسیم می‌شود و همسرش عده وفات می‌گیرد و بر امام لازم است که او را بکشد و استتابه نیز نکند. » الکافی، ج ۷، ص ۲۵۷، حدیث ۱۱ و مَنْ لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸، حدیث ۳۳۳

<sup>۲۷</sup>. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۳۳۲-۳۳۱

<sup>۲۸</sup>. قاعده ی درآ از جمله اسباب سقوط مجازات در نظام حقوق کیفری ایران است و مطابق

مرتد نظری و عقیدتی را مشمول حد ارتداد ندانیم، تا شاید با روشهای ارشادی به آغوش اسلام باز گردد.

## ۵- محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های مذهبی

گفتمانِ بردباری مذهبی، هرگز به معنای تساهل و تسامح مطلق نسبت به تمامی عقاید موجود در جامعه نیست. اندیشمندان و آزادی خواهانی هم که آزادی مذهب را بعنوان یکی از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر مطرح کرده‌اند، عقاید فتنه انگیز و مغایر با اصول کلی اخلاقی جامعه که از لوازم و ارکانِ نظم عمومی است را برنمی‌تابند. ازسوی دیگر، وظیفه‌ی دولت برای تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی آن است که به نحو شایسته‌ای بین منافع فرد و مصالح عمومی موازنه ایجاد کند و در صورت لزوم، آزادی‌های فردی را با توجه به آزادی‌های دیگران و اقتضائات جامعه تعدیل نماید. منتهی بایستی توجه داشت که ایجاد محدودیت، برای مرزبندی میان یک حق با حق دیگر است نه اینکه بهانه‌ای باشد تا با استناد به آن، بتوانیم اصلِ حق را نادیده بگیریم. به دیگر سخن، نقض حقوق مدنی و سیاسی، همانا مداخله تحدیدی دولت‌ها در حوزه آزادی‌ها است، لذا لازمه‌ی این حق‌ها، محدود کردنِ قدرت مداخله ناموجه دولت‌ها است<sup>۲۹</sup>. پذیرش حدود و قلمرو برای آزادی‌ها، به معنای

ماده ی ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱: «هرگاه وقوع جرم یا برخی شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری، مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود»

<sup>۲۹</sup>. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، دفتر یکم، ۱۳۹۰، صص ۶۲-۶۱

امروزه سخن از نسل‌های سه گانه حقوق بشری است. منظور از نسل اول حقوق بشر، همانا حق‌ها و آزادی‌های مدنی - سیاسی است. حقیقی‌ای از قبیل آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، مصونیت از بازداشت خودسرانه و بدون دلیل، حق رأی، آزادی تردد و انتخاب محل اقامت به این نسل از حقوق بشر تعلق دارد. حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شمار حق‌های متعلق به نسل دوم حقوق بشر طبقه بندی می‌شوند. حقیقی‌ای از قبیل حق بهره مندی از آموزش و پرورش، حق بهره مندی از مسکن ← مناسب، مراقبت‌های

امحای اصل آزادی نیست. در عرصه‌ی حقوق اساسی و عمومی، ظریف‌ترین کارها جمع بین اصول و استثناهاست. ظاهراً اجماعی در این زمینه وجود دارد که حق‌ها و آزادی‌ها نسبیّت پذیر هستند. اما مسأله این است که چه مواردی و چگونه این آزادی‌ها و حق‌ها را نسبی و محدود می‌کنند و دیگر اینکه، چه کسانی صلاحیت اعمال این محدودیت‌ها را دارند<sup>۳۰</sup>.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند دو ماده‌ی بیست و نه، بصورت کلی محدودیت‌های مجاز برای حقوق و آزادی‌های اساسی را بدین شرح بیان می‌کند: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، تنها تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله‌ی قانون و منحصرأً برای شناسایی و رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه‌ی دموکراتیک وضع شده است.» میثاق حقوق مدنی و سیاسی به جای وضع یک ماده‌ی کلی درباره‌ی محدودیت‌ها، شیوه‌ی وضع محدودیت‌های خاص را در پیش گرفته است. این محدودیت‌های خاص نسبت به آزادی مذهب، در بند سوم ماده‌ی هجده میثاق بدین شرح بیان گردیده است: «آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آنچه منحصرأً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.» در درک محدودیت‌های مقرر در بند سوم ماده‌ی هیجده میثاق، بایستی به ابعاد<sup>۳۱</sup> و "عمومی"<sup>۳۲</sup> آزادی مذهب توجه

بهداشتی، حق بر کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی، مثالهای این نسل از حقوق بشر هستند. در حالی که نسل اول، نوعاً بر عدم مداخله دولت و دیگر افراد تأکید دارد، حق‌های نسل دوم، مستلزم مداخله و حمایت دولت‌ها است. نسل سوم حقوق بشر، ماهیتی جمع‌گرایانه دارد و حق‌هایی همچون حق بر محیط زیست سالم، حق بر صلح و یا حق بر توسعه را در برمی‌گیرند.

<sup>۳۰</sup>. گرجی، علی اکبر، «آیا "تمسخر عقیده" آزادی بیان است؟»، «خبرگزاری عصر ایران، مهر ۱۳۹۱، کد خبر: ۲۳۲۱۵۸»

<sup>۳۱</sup>. private

<sup>۳۲</sup>. public

داشت. بُعد نخست، ناظر بر "داشتن یا پذیرش"<sup>۳۳</sup> یک عقیده یا مذهب و بُعد اخیر، ناظر بر "ابراز"<sup>۳۴</sup> عقیده یا مذهب است. آنچه از اسناد حقوق بشری و نظریات تفسیری کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد قابل برداشت است، ممنوعیت مطلق تحمیل محدودیت بر بُعد شخصی و خصوصی آزادی مذهب توسط دولت و نظام حقوقی است. این نکته در بند دوم ماده‌ی هجده میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز انعکاس یافته و مقرر شده که هیچ کس نباید تحت اجباری قرار گیرد که به آزادی او در داشتن یا پذیرش یک عقیده یا مذهب به انتخاب خودش، لطمه‌ای وارد آورد.<sup>۳۵</sup> متعاقباً به بررسی اجمالی برخی موارد مجاز اعمال محدودیت در میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازیم. در رابطه با قید ضرورت وضع قانون، این مؤلفه، امکان ایجاد محدودیتهای خودسرانه و سلیقه‌ای را تا حد زیادی از بین می‌برد و قید دموکراتیک بودن نظام قانون‌گذاری، اشاره ضمنی به بی اعتباری قوانین وضع شده در مجالس قانون‌گذاری نظامهای سیاسی غیردموکراتیک دارد. تعریف دقیق و مشخص از مفهوم نظم عمومی همواره مورد اختلاف بوده، اما آنچه که عموماً مورد اتفاق نظر اندیشمندان حقوق بوده آن است که در حقوق داخلی، نظم عمومی شامل قواعد امری است که هدف آنها حفظ منافع عمومی و تأمین حسن جریان امور عمومی است که اراده‌ی فرد نمی‌تواند آنها را نقض نماید. نظم عمومی، پیش‌نیاز توسعه و توانمندی یک جامعه و شرط لازم برخورداری از بسیاری مصادیق حقوق شهروندی است؛ به علاوه این مفهوم با سامانه‌ی ارزشی و هنجارهای مقبول اجتماعی نسبتی پایدار و محکم دارد و علی القاعده نمی‌تواند با وجدان جمعی جامعه در تعارض باشد. البته این مطلوبیت نباید مستمسک تعرض ناروا به حقوق و آزادی‌های اساسی

<sup>۳۳</sup>. have or adopt

<sup>۳۴</sup>. manifest

<sup>۳۵</sup>. G. Danchin , Peter , " Freedom of religion and the conflict of rights in International law" , University of Maryland, school of law, legal studies research paper, volume 49, number 2, summer 2008, p260



گردد. از دیگر مواردِ موّجه برای اِعمال محدودیت بر آزادی‌های مذهبی، اخلاق عمومی است. اخلاق حسنه، محصول فرهنگ جامعه است و طبعاً دولت‌ها می‌توانند با استفاده از مجوزِ بند سوم ماده‌ی ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی و برای جلوگیری از بروز چالش‌های دینی، تا جایی که به نقضِ مصادیق صریح آزادی مذهب در اسناد بین‌المللی خللی وارد نیاید، محدودیتهایی را در چارچوب قوانین دموکراتیک مقرر دارند. در مورد بهداشت و سلامت عمومی که مدّ نظر میثاق قرار گرفته‌اند، بدیهی است چنانچه آئین‌ها و مناسک یک مذهب هرچند هم در نظر معتقدین به آن مقدس تلقی شود، تهدید کننده‌ی بهداشت عمومی باشند، دولت در مقام حفظ منافع عمومی موظّف به دخالت و اِعمال محدودیت است. حقوق و آزادی‌های دیگران، آخرین موردی است که میثاق برای حمایت از آن، اِعمال محدودیت بر آزادی مذهب را مجاز شمرده است. بنا بر یک اصل محکم و مفروض حقوقی، هیچ کس نمی‌تواند با استناد به حق خویش، حقوق دیگران را نادیده بگیرد و در جهت اضرار به منافع سایرین اقدام کند و دولت در این بین، حافظ منافع عمومی در قبال تجاوزات فردی می‌باشد<sup>۳۶</sup>. این نگرانی که حقوق و آزادی‌های اساسی بشر همانگونه که ممکن است توسط دولتها نقض گردد، ممکن است ازسوی هموعش نیز پامال شود؛ به خوبی مد نظر تنظیم‌کنندگان میثاق قرار گرفته است.

## ۶- نگاهی بر آزادی مذهب و گستره آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی

### ایران

#### ۶-۱- در حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت اجبار و تحمیل عقیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و سوم مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرّض قرار داد.» به تصریح این اصل، در نظام جمهوری اسلامی هر کس می‌تواند هر

<sup>۳۶</sup>. اصل چهل قانون اساسی کشورمان در این باره مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اِعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

عقیده، خواه مبتنی بر اندیشه‌ی اسلامی و خواه مبتنی بر اندیشه‌ای غیراسلامی و الحادی را دارا باشد و از این جهت کسی حق ندارد او را مورد تعرض و ایداء قرار دهد. همانطور که پیداست، این اصل همانند اسناد حقوق بشری که قبلاً مورد استناد و بررسی قرار گرفت، بُعد خصوصی و شخصی آزادی مذهب که ناظر بر پذیرش و داشتن هر عقیده‌ای است را محترم شمرده و ممنوعیت مطلق تحمیل محدودیت بر این جنبه از آزادی مذهب توسط دولت و نظام حقوقی را مقرر داشته است. قرآن کریم نیز در آیه ۱۲ سوره‌ی حجرات در این باره می‌فرماید: «ای اهل ایمان؛ از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس مکنید...» در نظام اسلامی، داشتن هر فکر و عقیده‌ای حق طبیعی شخص محسوب می‌شود و مادام که با حق اجتماع و حکومت و شعائر و ظواهر اسلامی تزامنی نداشته باشد؛ وجهی برای تعرض و اعمال اکراه و اجبار برای تغییر یا کنار گذاشتن آن عقیده وجود نخواهد داشت.

## ۶-۲- در آزادی تجلیات دینی و انجام مناسک مذهبی

نیایش جمعی و انجام مراسم مذهبی به صورت عرف و عادت بین همه‌ی دین باوران وجود دارد و در جوامع دارای اختلافات فرقه‌ای و مذهبی، انجام اینگونه مراسم، طبعاً بین گروههای مختلف، ایجاد رقابت و حتی دشمنی می‌کند. با وجود خصیصه‌ی مکتبی حاکم بر جامعه‌ی ایران و حاکمیت قوانین اسلامی بر تمام امور و شئون جامعه<sup>۳۷</sup> و رسمیت دین اسلام و مذهب تشیع<sup>۳۸</sup>، قانون اساسی در اصل دوازدهم، ضمن احصاء سایر مذاهب اسلامی شامل حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و

<sup>۳۷</sup> اصل چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: « کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. »

<sup>۳۸</sup> اصل دوازدهم قانون اساسی

زیدی، به صراحت، پیروان این مذاهب را در انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی طبق فقه خودشان آزاد می‌داند. در کنار اکثریت مسلمانان، اقلیت‌های غیر مسلمان نیز در کشور وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می‌شوند و بر اساس اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی، از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردار می‌باشند. قانونگذار اساسی در اصل سیزدهم، ضمن شناسایی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان تنها اقلیت‌های دینی، انجام مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد دانسته است. این آزادی باید که در حدود قوانین اسلامی حاکم بر جامعه باشد؛ چرا که ممکن است به همراه برخی اعمال عبادی آنان، مراسمی وجود داشته باشد که انجام علنی آن در جامعه مسلمین، حرام و خلاف قانون محسوب شود. شایان ذکر است که اذن در انجام مراسم دینی، اذن در تأمین لوازم آن از جمله تأسیس و برپایی معابد رسمی نیز می‌باشد<sup>۳۹</sup>. امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی در باب حقوق اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌گویند: «... تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مسلمانان ایرانی محترم هستند.»<sup>۴۰</sup> با نگرش بر اصل چهاردهم<sup>۴۱</sup> و استنباط از دیگر اصول قانون اساسی مشاهده می‌کنیم که غیرمسلمانانی که رسمیت ندارند، حق برخورداری از اخلاق حسنه و قسط و عدل و برخورد منصفانه

<sup>۳۹</sup>. وکیل، امیرساعد، عسگری، پوریا، **قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی**، تهران،

انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰

<sup>۴۰</sup>. موسوی الخمینی، روح الله، **در جستجوی راه از کلام امام (ره)**، تهران، انتشارات امیرکبیر،

چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۲۰۶

<sup>۴۱</sup>. اصل چهاردهم قانون اساسی بیان می‌دارد: « به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبرهّم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

را در معاشرت‌های متداول خود دارا می‌باشند و از حقوق انسانی همچون حق حیات، امرار معاش، تحصیل و کار که برای همه‌ی شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیضی مقرر است<sup>۴۲</sup>، بهره‌مند می‌باشند. بنابراین نظام اسلامی نباید به خاطر عقیده غیراسلامی و باطل و منحرف آنان، تا زمانی که در ابراز آن مرتکب فساد نشده‌اند، آنان را در مضیقه قرار دهد<sup>۴۳</sup>. باید افزود علی‌رغم عنایت قانون اساسی به حقوق غیر شیعیان امامیه و اقلیت‌های دینی و تصریح مواردی مانند لزوم احترام به آنان و رسمیت فقه و آداب آیینی آنان در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه شان و حق تشکّل و تحرّج<sup>۴۴</sup> و نمایندگی مجلس<sup>۴۵</sup> و...؛ ابتدای نظام سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی بر عقیده و مسلک مشخص و اعلان دین اسلام و مذهب شیعه ی اثنی عشری به عنوان دین رسمی کشور<sup>۴۶</sup>، طبعاً اقتضاء می‌کند که موازین دین اسلام و مذهب تشیع عملاً در سیاستگذاری‌ها، قانونگذاری و اداره‌ی امور عمومی حاکم باشد و اقلیت‌های دینی نیز ناگزیر به تبعیت از این رسمیت و انصراف از قسمتی از آیین خویش باشند. این امر برخی محدودیت‌ها را برای گروهی از مردم کشور به دنبال می‌آورد و اصل پرصلابتِ حقوق برابر اهالی را از عمومیت می‌اندازد. به علاوه اختیار

<sup>۴۲</sup>. مستنبط از اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی

<sup>۴۳</sup>. هاشمی، همان، صص ۳۳۸-۳۳۷

<sup>۴۴</sup>. اصل بیست و ششم قانون اساسی اشعار می‌دارد: « احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. »

<sup>۴۵</sup>. به موجب اصل شصت و چهارم قانون اساسی: « عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند. »

<sup>۴۶</sup>. اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: « دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است ..... »

حکومت در عدم شناسایی برخی ادیان و باورها و در نتیجه عدم ترتب حقوق و آزادی‌های شناخته شده اقلیت‌های دینی رسمی برای آن ادیان و باورها، مورد مناقشه‌ی جدی و خلاف نصوص روشن اسناد حقوق بشری است که عنوان عقیده و مذهب در آنها، بصورت مطلق و بدون ذکر منشاء توحیدی یا غیر توحیدی بیان گردیده است. به عبارت دیگر، مذهب در گفتمان حقوق بشری معاصر، لامذهبی را نیز در بر می‌گیرد و به تصریح کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل متحد، مذهب هم شامل اعتقاد به آموزه‌های مذهبی و هم شامل عدم اعتقاد به حقانیت آنها می‌باشد

۴۷

---

47. General Comment No. 22 -Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993.

## نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر، سعی بر آن داشتیم تا جایگاه آزادی مذهب در نظام بین‌المللی حقوق بشر را از حیث مفهومی مورد تحلیل قرار دهیم و تفاهم یا تباین آن با آموزه‌های شرع‌انور و منابع الزام‌آور حقوق داخلی را روشن سازیم. با بررسی‌های به عمل آمده می‌توانیم مُراد از آزادی و بردباری مذهبی را شامل شناسایی و تضمین قانونی حق و آزادی یک فرد یا گروه برای اعتقاد، رعایت و ابراز آموزه‌ها و باورهای دینی در خلوت یا در سطح اجتماع و حق بر تغییر دین و پیروی نکردن از هیچ آیینی بدانیم. جنبه‌های قابل استنباط از اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اعلامیه‌ی جهانی، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نظریه‌های تفسیری کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه‌ی آزادی مذهب را می‌توان در چهار مؤلفه‌ی حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت تحمیل عقیده؛ آزادی تجلیات دینی و انجام مراسم مذهبی، حق بر تغییر عقیده و مذهب و برابری و عدم تبعیض مذهبی برشمرد. در رابطه با مقوله‌ی نخست، در پرتو آیات شریفه‌ی قرآنی اثبات نمودیم که حق بر انتخاب مذهب و ممنوعیت تحمیل عقیده از بایسته‌های ایمان حقیقی مسلمانان است و از نظر دین مبین اسلام، اصل مترقی لزوم تفکر در پذیرش عقیده و مذهب، نه تنها آزاد؛ بلکه لازم نیز می‌باشد. به علاوه بیان داشتیم آنچه در زمینه‌ی لزوم جهاد با کفار در منابع دینی مطرح شده، متضمن وجوب دفاع و مقابله با ستمگران و کسانی که مانع نشر عقیده‌ی توحیدی شده و آزادی مذهبی موحدین را سلب کرده، آنان را مورد آزار قرار می‌دهند، می‌باشد و هدف اصلی جهاد، مقابله و تلاش برای احقاق حقوق مشروع مسلمین است نه تحمیل عقیده. مضاف بر آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً تفتیش عقاید را ممنوع اعلام کرده است.

در رابطه با آزادی تجلیات دینی، دین اسلام با تجویز انعقاد قرارداد دمه بین مسلمین و اهل کتاب، زمینه‌ی زندگی مسالمت آمیز بین آنان را فراهم آورده و انجام مراسم مذهبی با امنیت کامل بصورت انفرادی یا جمعی در معابد و اماکن مخصوص را برای اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته است. اصل سیزده قانون

اساسی نیز این حق را مورد شناسایی قرار داده و منطقاً بایستی اذن قانون اساسی در انجام آزادانه‌ی مراسم مذهبی در حدود قوانین اسلامی حاکم بر جامعه را، مستلزم اذن در لوازم این حق، یعنی تأسیس و نگهداری معابد و اماکن عبادی اهل کتاب دانست.

در رابطه با حق بر تغییر مذهب، بند یک ماده‌ی هجده اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به صراحت، داشتن آزادی عقیده و مذهب را مستلزم وجود حق تغییر دین می‌داند و کمیته‌ی حقوق بشر ملل متحد نیز بر این باور است که حق انتخاب و تغییر مذهب، هرکدام رویی از سکه‌ی آزادی مذهبی‌اند و نتیجه‌ی ضروری صرفِ پیش‌بینی حق انتخاب مذهبِ دلخواه در ماده‌ی هجده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق تغییر مذهب است. در تحلیل نسبت میان رجوع به کفر و ارتداد با آزادی مذهب، رهیافت اصلی نوشتار آن است که همانگونه که در ابتدای پذیرش دین، اصل ممنوعیت اجبار مطرح است و ایمان حقیقی از دسترس اجبار و اکراه خارج دانسته می‌شود، اجبار در بقاء و استمرار ایمان نیز ممکن و کارساز نیست و تا جایی که ارتداد، محدود به ایمان معنوی فرد و رابطه‌ی قلبی‌اش با خداوند باشد، اجبار سودی نخواهد داشت و به نوعی فرد را باید به حال خود گذاشت تا از میان سعادت و شقاوت یکی را برگزیند. در مقابل، چنانچه ارتداد از قلمرو ایمان قلبی و رابطه فرد با پروردگارش خارج شود و به اقداماتی به زیان جامعه و دولت اسلامی منجر گردد، دیگر صرف عنوان گناه بر آن صدق نمی‌کند؛ بلکه گناهی است که به جرم تبدیل شده و قابل مجازات است.

درگفتمان حقوق بشر، تبعیض مذهبی از سویی ناقض اصل عام منع تبعیض در بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی و از سوی دیگر، ناقض آزادی مذهب به طور خاص می‌باشد. در اکثر اسناد حقوق بشری، مذهب در کنار موضوعاتی دیگر نظیر زبان، نژاد، رنگ، ملیت و... به عنوان یکی از مواردی که نمی‌تواند منشاء تفاوت و تبعیض در بهره‌مندی از حقوق انسانی باشد، مورد تأکید قرار گرفته‌است. از این حیث، آخرین مؤلفه آزادی مذهب، یعنی برابری و عدم تبعیض مذهبی، واجدِ بیشترین چالش با آموزه‌های اسلامی و نظام حقوقی ایران به نظر می‌رسد؛ چرا که

تحلیل مفهومی آزادی مذهب در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران

سیری اجمالی در احکام اسلام و قوانین داخلی ناظر بر نکاح، ارث، قصاص نفس یا عضو، مقدار دیه، حد قذف و... مؤید آن است که شناسایی حقوق برابر برای انسان به صرف انسانیت و فارغ از عقیده و مذهب وی، اساساً مورد پذیرش قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، در گفتمان اسلامی، این ایمان و اسلام است که منشأ حقوق است نه صرف انسانیت انسان و آحاد بشر از حیث اینکه چه دینی دارند، از حقوق متفاوت برخوردارند. لذا باید اذعان داشت که تنها برابری و عدم تبعیض مذهبی به عنوان یکی از بایسته‌های مفهومی آزادی مذهب، با احکام اسلام و محتوای قوانین داخلی در تعارض است و سایر مؤلفه‌های حیاتی آزادی مذهب که در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده، در دستگاه فقهی و حقوقی کشورمان قابل بازیابی به نظر می‌رسند.



## منابع

- زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه ی جواهرکلام، علی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۴۵
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰
- قاری سید فاطمی، سید محمد، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، دفتر یکم، ۱۳۹۰
- کاتوزیان، ناصر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۶
- کدیور، محسن، **حقّ النَّاس (اسلام و حقوق بشر)**، تهران، نشر کویر، چاپ چهارم، ۱۳۸۸
- گرجی، علی‌اکبر، **در تکاپوی حقوق اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸
- مهرپور، حسین، **دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان**، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ۱۳۷۰
- موسوی الخمینی، روح الله، **در جستجوی راه از کلام امام (ره)**، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۱
- هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، جلد اول (اصول و مبانی کلی نظام)، ۱۳۸۵
- هاشمی، سید محمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴
- وکیل، امیرساعد، **عسگری، پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۸

- G. Danchin , Peter , “ Freedom of religion and the conflict of rights in International law” , University of Maryland, school of law, legal studies research paper, volume 49, number 2, summer 2008
- General Comment No. 22: Article 18 (Freedom of Thought, Conscience or Religion) Adopted at the Forty-eighth Session of the Human Rights Committee on 30 July 1993

## پیوست

« اعلامیه امحاء تمامی اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی مصوّب مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ »  
مجمع عمومی، این اعلامیه را در مورد تمامی اشکال تبعیض و نابردباری مبتنی بر دین یا عقیده اعلان می نماید:

ماده ی یک)

۱- هر کس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق، شامل آزادی داشتن دین یا عقیده‌ای به انتخاب خود و نیز آزادی ابراز دین یا عقیده به صورت فردی یا دسته جمعی و بطور خصوصی یا علنی در عبادت و اجرای تعالیم دینی یا مذهبی می‌باشد. ۲- هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن دین یا عقیده‌ای به انتخاب خودش لطمه‌ای وارد آورد. ۳- آزادی ابراز دین یا عقیده را نمی‌توان تابع محدودیتهایی قرار داد، جز آنچه به موجب قانون پیش‌بینی شده باشد و صرفاً برای تأمین آرامش، نظم، بهداشت عمومی یا اخلاق حسنه یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

ماده ی دو)

۱- هیچ کس توسط هیچ دولت، مؤسسه، فرد یا گروه، در زمینه‌ی دین یا عقیده تحت تبعیض قرار نمی‌گیرد. ۲- از نظراعلامیه ی حاضر، اصطلاح تبعیض و نابردباری مبتنی بر دین یا عقیده به معنای هر گونه تمایز، محدودیت یا ترجیح بر اساس دین یا عقیده می‌باشد و با داشتن این هدف یا اثر که شناسایی، برخورداری یا اجرای حقوق و آزادی‌های اساسی را بر مبنای تساوی منتفی سازد و بدان لطمه وارد آورد.

ماده ی سه)

تبعیض بین افراد بشر بر اساس دین یا عقیده، بی‌حرمتی به حیثیت انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و به عنوان نقض حقوق و آزادی‌های اساسی اعلان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر که به تفصیل در میثاقهای حقوق بشر بیان شده و به عنوان مانعی برای دوستی و روابط صلح آمیز ملل، محکوم می گردد.

ماده ی چهار)

۱- تمامی دولتها اقدامات مؤثری را به منظور امحاء و پیشگیری از تبعیض درباره‌ی دین یا عقیده و در جهت شناسایی، اجرا و بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در تمامی زمینه‌های زندگی اعم از مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انجام خواهند داد. ۲- تمامی دولتها کلیه‌ی مساعی خود را در صورت لزوم برای وضع یا لغو قوانین، به منظور ممنوعیت هرگونه تبعیض از این قبیل به کار برده و برای مبارزه با نابردباری در باب دین یا عقیده، تمامی اقدامات مقتضی را صورت خواهند داد.

ماده ی پنج )

۱- والدین یا حسب مورد سرپرستان قانونی کودک حق دارند که زندگی را در داخل خانواده بر اساس دین یا عقیده ی خود سامان دهند و کودک بایستی با توجه به دین یا عقیده‌ای که آنها عقیده دارند، تحت آموزش اخلاقی قرارگیرد. ۲- هرکودکی ازحق دسترسی به آموزش در باب دین یا عقیده بر طبق تمایلات والدینش یا حسب مورد سرپرست قانونی اش برخوردار می‌باشد و مجبور نخواهد بود که در زمینه‌ی دین یا عقیده، تحت آموزش‌هایی قرار گیرد که با تمایلات والدین یا سرپرست قانونی‌اش، مغایر است. بهترین مصلحت کودک در این زمینه به عنوان یک اصل راهگشا مد نظر قرار خواهد گرفت. ۳- کودک بایستی از هرگونه تبعیض در زمینه‌ی دین و عقیده مصون باشد. او بایستی درپرتو روح تفاهم، بردباری، دوستی میان ملل، صلح و برادری جهانی، احترام به آزادی مذهب یا عقیده‌ی دیگران و با آگاهی کامل به اینکه توان و استعدادش می‌بایست وقف خدمت به همنوعش گردد، تربیت شود. ۴- در صورتی که کودک تحت مراقبت والدین یا سرپرستان قانونی نباشد، تمایلات صریح آنان یا هرگونه اماره‌ی دیگری که نشانگر تمایل آنان در موضوع دین یا عقیده باشد و با لحاظ اینکه بهترین مصالح طفل به عنوان اصل راهگشایی در این موضوع است، مد نظر قرار می‌گیرد. ۵- اعمال و برنامه‌های دینی که برای کودک در نظر گرفته می‌شود بایستی به گونه‌ای باشد که برای سلامت جسمی یا روانی یا رشد کامل وی زیانبار باشد و بدین منظور، بند ۳

ماده ی یک اعلامیه‌ی حاضر مد نظر قرار می‌گیرد.

( ماده ی شش )

طبق ماده‌ی یک اعلامیه‌ی حاضر و به موجب مقررات بند ۳ ماده ی یک، حق آزادی فکر، وجدان، دین یا عقیده از جمله آزادی‌های زیر را شامل خواهد شد:

الف ) عبادت یا اجتماع در ارتباط با دین یا عقیده و تأسیس و نگهداری

مکانهایی برای این اهداف

ب) تأسیس و نگهداری مؤسسات خیریه و بشردوستانه ی مقتضی

ج) ساختن، بدست آوردن و استفاده از مقدار مناسب مواد و لوازم مربوط به

مراسم و آیین‌های مذهبی

د) نوشتن، نشر و پخش نشریات مناسب در این مورد

ه) تعلیم دین یا عقیده در مکانهای مناسب برای این اهداف

و) درخواست و دریافت کمک‌های مالی داوطلبانه و سایر مشارکتهای توسط

افراد و مؤسسات

ز) مراعات ایام استراحت، بزرگداشت اعیاد و مراسم طبق عقیده‌ی هر فرد

ط) برقراری و حفظ ارتباط با افراد یا جوامع دیگر در امور مربوط به دین یا

عقیده در سطح داخلی و بین‌المللی

(ماده‌ی هفت)

حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه‌ی حاضر تدوین شده است، بایستی به

گونه‌ای در قوانین داخلی وارد شوند که هر فردی در عمل قادر باشد به آنها

دسترسی داشته باشد.

( ماده ی هشت )

ضوابط مندرج در اعلامیه‌ی حاضر نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حقوق

شناسایی شده در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر

را، محدود یا ملغی نماید.

